

کدام راهبرد؟ نقش محوری حکومت دموکراتیک مردم گرا؟ یا اقتدار سرمایه کلان و بازار بی نظارت؟



شماره ۶۱۴، دوره هشتم
سال هجدهم، ۹ مرداد ماه ۱۳۸۰

قادر به انکار آن ها نیستند. آقای خاتمی اخیراً تصدیق کرد که «مردم مطالبات جدی و ریشه ای دارند». نگاهی اجمالی به اوضاع اقتصادی رو به وخامت، و افت شدید سطح زندگی در کشور، آشکار می کند که، یکی از ارکان اصلی این مطالبات توسعه اقتصادی جامعه و شروع حرکت واقعی به سوی عدالت اجتماعی است. جنبش مردمی با درایت و شناخت سیاسی خود نشان داده است که به رابطه میان توسعه سیاسی و تغییرات پایه بی اقتصاد واقف بوده و اینکه زحمتکشان در مجموع فریب شعارهای عوام فریبانه مبنی بر متضاد بودن این دو روند، نمی خورند، بلکه با درک لزوم مبارزه سیاسی بر ضد ارتجاع حاکم، و خواهان

در همه پرسی ۱۸ خرداد ۱۳۸۰، اکثریت قاطع مردم میهن بار دیگر نظر خود را درباره لزوم طرد حکومت استبدادی رژیم ولایت فقیه و حمایت از ادامه روند توسعه سیاسی بطور قاطع و صریحی بیان کردند. بر رغم این حقیقت که، بخش عظیمی از رادیکال ترین نیروهای هوادار اصلاحات سیاسی در میهن استبداد زده مان نظریات قاطعی درباره لزوم اصلاحات اقتصادی و اجتماعی به نفع زحمتکشان دارند، کم نیستند محافل سیاسی متنفزی که سعی در تحمیل درکی بسیار محدود و تنگ از روند اصلاحات کنونی دارند. در پاسخ به این محافل حزب توده ایران در مقاطع مختلف، در سالیان اخیر، نظر خود را پیرامون ارتباط تنگاتنگ تحولات اقتصادی و بی آمدن های سیاسی - اجتماعی آن و یا بالعکس ابراز کرده است. خواسته های مبرم و عاجل مردم آن چنان واضح و عریان است که نه ارگان های مسئول و نه سران جناح های حکومتی

ادامه در صفحه ۴

فشارهای شدید بر زندانیان سیاسی و ضرورت تشدید مبارزه برای آزادی آنان

در پی گزارشات روزنامه های مجاز در جمهوری اسلامی، مبنی بر اینکه تمامی زندانیان سیاسی ملی - مذهبی به بند عمومی انتقال یافته اند، سایت اینترنتی «ملی - مذهبی ها» گزارش داد که، بر خلاف خبر منتشر شده از سوی رژیم نه تنها این خبر واقعیت ندارد بلکه خبرهای رسیده حاکی از آن است که وضعیت این زندانیان روز به روز بدتر می شود و همچنان تحت فشار طاقت فرسا قرار دارند. از جمله آقای سعید مدنی در تماس تلفنی که با همسر خود داشته عنوان کرده که من هنوز هم در سلول انفرادی بسر می برم، نه شرایط و نه مکانم عوض نشده است. آقای مهندس سبحانی نیز در ملاقاتی با همسر خویش هم به همین نکته اشاره کرده که در عرض این ۹ ماه همواره در سلول انفرادی بسر برده و به جز بازجو هیچ کس دیگر را نمی بیند. آقای هدی صابر دو ماه است که نه ملاقات داشته و نه تلفن. علنا به خانواده او گفته اند که او از ملاقات و تلفن کردن ممنوع

ادامه در صفحه ۲

کابینه جدید یا جابجایی مهره ها؟

را ضعف می دانیم و احتمال اینکه برخی مناصب برای تکرار کابینه وجود داشته باشد منتفی نیست. «آفتاب یزد، یکشنبه ۷ مرداد» فاطمه راکی در پاسخ به این سؤال که بنا بر اخبار رسیده ظاهراً رئیس جمهور اقدامی برای تغییرات اساسی و بنیادین در کابینه انجام نداده است گفت که، تا اعضای کابینه تشکیل نشود نمی توان قضاوت کرد. وی افزود: «اکنون مثل دوره قبل نیست که فشارهایی از سوی جناح مقابل باعث انتخاب برخی از وزرا شود، اگر هم مشکلی پیش آید مردم قبول نمی کنند چرا که قوه مجریه و مقننه در دست اصلاح طلبان است و خدای ناکرده رودر بایستی یا سهم خواهی نباید باعث شود که صرف جابجایی در کابینه صورت گیرد.» (همانجا) سید حسین موسوی تبریزی عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه با اشاره به اینکه این مجمع انتقاداتی را در خصوص مدیریت اقتصادی دولت قبل داشته با ارسال نامه بی به خاتمی نوشت: «اکثریتی حدود ۲۲ میلیون نفر از مردم به افکار و اندیشه های آقای خاتمی رای دادند، لذا ایشان باید کسانی را برگزیند که با این ایده ها همخوانی دارند. ایشان باید یک کابینه هماهنگ انتخاب کنند» (همانجا)

به گزارش رسانه های گروهی مجاز در جمهوری اسلامی، محمد خاتمی، رئیس جمهوری، روز یازدهم مرداد مراسم تنفیذ و سه روز بعد در چهاردهم مرداد با حضور در مجلس ضمن مراسم تحلیف، کابینه جدید خود را معرفی خواهد کرد. بحث کابینه آینده محمد خاتمی طی چندین هفته گذشته یکی از اصلی ترین مباحث روزنامه های کشور بوده و اظهار نظر و گمانه زنی های گوناگونی در این زمینه ارائه شده است. با اینکه از کم و کیف کابینه آینده خبرهای جسته و گریخته بی انتشار یافته است اما با نزدیک شدن موعد معرفی کابینه، گزارشات و خبرهای واصله حاکی از اتخاذ شیوه های مشابه گذشته، یعنی مانور میان جناح های گوناگون برای انتخاب کابینه است. جعفر گلپایز عضو فراکسیون مشارکت در مجلس گفت: «از آنجایی که امید به تغییرات اساسی در کابینه آینده نیست، روند شکل گیری کابینه با سردی در محافل پیگیری می شود و طبق اخباری که می رسد، جابه جایی وزرا و نه تغییر آنان را نشان می دهد. محافل سیاسی علاقمند به پیگیری مسأله شکل گیری کابینه نیستند و انتظار دارند دولت آینده قوی تر از دولت فعلی باشد و به جای جابجا شدن وزرا، تغییرات اساسی در کابینه صورت گیرد، ولی از آنجا که اخبار واصله نشانی از تغییر در کابینه ندارد این مسأله با دلسردی دنبال می شود.» (ایسنا، ۳ مرداد)

در تحولی دیگر که واکنشی به اظهارات فوق می تواند باشد، تاجیک در مصاحبه بی اعلام کرد که، بی تردید خاتمی در شرایط حساس کنونی تمامی تمهیدات لازم را برای انتخاب بهترین و موثرترین افراد اندیشیده است، لذا صلاح باز یگران سیاست و جامعه در آن است که یک بار دیگر به ایشان اعتماد کنند و اجازه دهند در شرایط معقول به تصمیم سازی مبادرت

راه چمنی دبیر کل حزب همبستگی از تغییرات حداکثر ۳۰ درصد کابینه آینده خبر داد. (ایسنا، ۳ مرداد) داوود سلیمانی نماینده مجلس با اشاره به اینکه کابینه حداقلی و محافظه کار قطعا به مطالبات اساسی مردم پاسخ نخواهد داد، گفت: «ستادی که آقای خاتمی در این مورد انتخاب کرده اند آن طور که شایسته است بررسی های کارشناسانه انجام نداده است و ما این امر

ادامه در صفحه ۶

در این شماره

- کارگران خواهان تشکیل شوراهای مستقل خودند ص ۲
- ایران و تریبالات امنیتی قفقاز ص ۵
- نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره ۲۷ حزب کمونیست آمریکا ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

کارگران خواهان تشکیل شوراها و تشکل های مستقل خودند

ادامه فشارهای شدید بر ...

است و همچنان بعد از ماه ها اسارت در سلول انفرادی بسر می برد.

این زندانیان در بند، نه تنها در سلول انفرادی بسر می برند بلکه تحت فشارهای شدید روحی و جسمی نیز قرار دارند. هدف از این فشارها درهم شکستن زندانیان و وادار کردن آنها به امضای اقراریری است که شکنجه گران قوه قضائیه از ماه ها پیش تهیه و تدارک دیده اند. مثلاً آقای غروی که تمام بدنش و لباسش از کم آبی ترک خورده و پشت دستانش ترک و زخم شده است. او در ملاقاتش گفته همین امروز ۸ ساعت زیر بازجویی بوده است. به گفته آقای محمد بسته نگار وی در سلول انفرادی دچار کم آبی شدید شده و حتی آنها را به حد کافی به توالت نمی برند. مشکل کم آبی باعث دردهای شدید کلیوی شده است. در سلول مشکل کم آبی به حدی فشار می آورد که مشکل خطر جانی برای زندانیان ایجاد کرده است. این فشارها به حدی طاقت فرساست که زندانی غش می کند و دندان هایش کلسید می شود و با آب ریختن روی این عزیزان از حالت بیهوشی بیرون می آورند و در همان حال از او بازجویی می کنند.

در ملاقاتی که آقای احمدزاده با خانواده خویش داشته عنوان می کند که در روزنامه کیهان خواندم (تنها روزنامه ای که به بعضی از زندانیان می دهند) که آقای میشری عنوان کرده در جای مناسبی بسر می برند و دارای امکانات رفاهی هستند. او در جواب به این مسأله می گوید ما تازه به جای مناسبی منتقل شدیم که این جای مناسب سلول یک و نیم در دو متر است. حالا این سؤال مطرح می شود که، پس جای قبلی چگونه بوده است؟ حتماً امکانات رفاهی که آقای میشری ادعا می کند یک قفس نیم متری بوده است.

دستگاه قضایی نه تنها زندانیان را تحت فشار قرار داده بلکه خانواده های آنها را نیز اذیت می کند. از جمله یک روز به آنها وعده آزادی با وثیقه را می دهد ولی وثیقه های سنگین و حتی بعد از گذاشتن وثیقه از آزادی آنها خبری نمی شود. آقای افشاری با وجود پرداختن کامل وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی همچنان در زندان بسر می برد. در حقیقت آنها باورهای زندانیان و خانواده های آنها را به بازی گرفته اند. ولی این بازی تا کی ادامه خواهد داشت؟ یگانه راه مبارزه با این ترندهای مرتجعان حاکم تشدید مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و بسیج نیروهای مردمی برای زیر فشار قرار دادن ارگان های سرکوبگر است.

خبرگزاری ایسنا، روز ۵ تیر ماه، در خبری گزارش داد که، کارگران شرکت ایران خودرو خواستار اعزام هیاتی توسط رئیس جمهوری جهت بررسی علل مخالفت مدیریت شرکت از تشکیل شورا شدند. این خبر می افزاید: «در مجمع عمومی کارگران ایران خودرو (۴ مرداد) که قرار بود نماینده هیات تشخیص صلاحیت انتخاب شود، برخی کارگران به دلیل ممانعت از ورودشان در این مجمع حضور نداشتند و حتی در ساعت اولیه نیز کار تعطیل شد.» در ادامه آمده است که، مدیریت ایران خودرو در روز انتخاب نماینده هیات تشخیص صلاحیت، از کارگران شیفت بعدازظهر خواست تا برای حد نصاب نرسیدن تعداد شرکت کنندگان در مجمع، سر کار خود حاضر نشوند. کارگران شرکت ایران خودرو با انتقاد از عملکرد مدیریت این شرکت در جلوگیری از برگزاری انتخابات شورا مدعی شده اند که وزارت کار و امور اجتماعی نیز با مدیریت شرکت در راستای برگزار نشدن انتخابات، همراهی کرده است.

با اینکه هنوز از کم و کیف چنین جلسات و ایجاد چنین تشکیلاتی خبرهای زیادی منتشر نیافته و همین امر دستیابی به اطلاعات را کمی مشکل می سازد اما صرف چنین عملکردهایی که به نظر می رسد خارج از چارچوب های دیکته شده دولتی در شرف تکوین است، پدیده ای میمون برای رفع معضل اصلی کارگران، یعنی تشکیلات مستقل کاری می باشد. همانطور که از متن خبر ارسالی برمی آید، وزارت کار که قاعدتاً باید متولی کارگران و زحمتکشان در جهت حمایت از حقوق قانونی آنان باشد، عملاً به ارگانی در جهت متوقف ساختن این روند تبدیل گردیده است، امری که در جریان تشکیل کانون عالی انجمن های صنفی کارگران نیز به اثبات رسید.

نکته ای که فعالان سیاسی مترقی باید همواره مد نظر

قرار دهند، ماهیت واقعی چنین تشکل هایی است. حکومت های ضد مردمی همیشه درصدد هستند با ایجاد تشکیلاتی بی محتوا، از یک طرف به ظاهر نیازهای اساسی جامعه را بی جواب نگذارند و از طرف دیگر با تحت کنترل درآوردن آنها خطراتی را که از این ناحیه متوجه آنها خواهد گردید را خنثی سازند، روزنامه نوروز، ۶ مرداد در گزارشی که از یک تشکل جدید غیر دولتی برای کشاورزان به چاپ رسانده که در آن از عیسی کلانتری وزیر سابق کشاورزی به عنوان دبیر خانه کشاورز نام برده شده و به همین دلیل مصاحبه ای با او انجام گرفته است. در این مصاحبه هر چند عیسی کلانتری سعی دارد حضور خود را در این تشکل که به گفته او بنا به اصرار کشاورزان صورت گرفته را توجیه کند و آن را یک تشکل غیر دولتی قلمداد کند اما نزدیکی او به کارگزاران سازندگی سؤال های زیادی را نیز به وجود می آورد و درست به همین دلایل جنبش مردمی باید با هوشیاری نیاز به تشکل های مستقل مردمی در هر عرصه را، با توجه به چنین مشکلاتی برآورده سازد. جنبش مردمی ضرورت سازمان یابی را در یک تجربه چهار ساله بیش از پیش درک نموده و به همین دلیل واکنش های بازدارنده از طرف مخالفان چنین سازمان های توده ای دور از انتظار نمی تواند باشد. مخالفت و کارشکنی ارگان های حکومتی در مقابله با چنین اقدامات توده ای، ناشی از ضعف کار تبلیغی در این مورد مهم می باشد. نیروهای مترقی طرفدار واقعی اصلاحات باید با تبیین این مسایل، تاثیر و نفوذ چنین نهادهایی را بیش از پیش نزد افکار عمومی روشن سازند.

جنبش دانشجویی و وضعیت حساس کنونی

دانشجویان گفت: «این دانشجویان به دلیل درج مقاله ای با عنوان «انتظار» در نشریه دانشجویی «فریاد» بازداشت شده اند و در این رابطه معاون دانشجویی این دانشگاه نیز احضار شده است.» معاون امنیتی استانداری سمنان در گفتگوی دیگری با ایسنا در همان تاریخ می گوید: «امنیتی که دانشگاه هیان می خواهند، این است که آزادانه دیدگاه هایشان را مطرح کنند.» معاون امنیتی بدون اشاره به خواست های سیاسی و فعالیت دانشجویان در این ارتباط مدعی است که دانشجویان می خواهند آزاد باشند یافته های علمی خود را بدون ملاحظه در مجامع علمی مطرح کنند. هم سخنان مدیر کل حراست وزارت علوم و هم معاون سیاسی امنیتی استانداری سمنان نشان می دهد که نگرانی های عمده در مورد دانشجویان هنوز کاملاً از بین نرفته و هراس مقامات رژیم از این ناحیه در حد بالایی است. معاون استانداری سمنان در امور امنیتی هر چند سعی دارد سطح مطالبات دانشجویی را به مسایل اقتصادی تقلیل دهد و همین امر را عامل فرار مغزها عنوان می کند اما خبرهای مداومی که در رابطه با دستگیری ها و احضار دانشجویان بعضاً منتشر می شود نشان دهنده پویایی این جنبش است. روزنامه «رسالت» ۱ مرداد، در گزارشی از اردوی آموزشی سیاسی دانشجویان، سخنرانی

هفته گذشته علی تاجرنیا، نماینده مشهد در مجلس در مصاحبه ای با اشاره به وضعیت جنبش دانشجویی، گفت: «جنبش دانشجویی در فقدان احزاب و نهادهای مدنی کارآمد، اثرگذارترین مجموعه بود و امروز می تواند بیش از همگان به عنوان یک واسطه بین خواست های مردم و حاکمان باشد. جنبش دانشجویی طی سالیان گذشته بیشتر از هر جریان و حزبی هزینه پرداخته است.» (حیات نو، ۱ مرداد) وی یادآور شد: «اگر جنبش دانشجویی و دانشجویی ما بخواهد در دامی که با ناامیدی و یاس از آینده اصلاحات برایش پهن کرده اند گرفتار شود، طبیعتاً جریان مخالف اصلاحات توانسته به اهداف و خواسته های خود برسد.» (همانجا)

بحث در مورد وضعیت جنبش دانشجویی بخصوص پس از سلسله سرکوب های متوالی بر ضد آن هنوز هم یکی از موضوع های اساسی جنبش است. این مسأله از آن رو با اهمیت است که سابقه تاریخی این جنبش نشان داده است برغم توقف های مقطعی، جنبش دانشجویی در سخت ترین شرایط دیکتاتوری توانسته مهر تأثیری گذاری خویش را بر جریان های سیاسی به اثبات برساند و از همین رو آغاز هر حرکت سیاسی در میهن، بازتاب های خود را در جنبش دانشجویی نمایان می ساخت. خبرگزاری ایسنا، اول مرداد در مورد خبر دستگیری دانشجویان خواجه نصیرالدین طوسی، از قول مدیر کل حراست وزارت علوم می نویسد: «مشکلی که در حال حاضر داریم، اضافه شدن دستگیری های دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی است، یعنی تعداد دانشجویان دستگیر شده، ۵ نفر هستند و یک نفر نیز متهم است که هنوز خود را به دادگاه معرفی نکرده است.» وی در باره دلیل دستگیری این

ادامه جنبش دانشجویی و وضعیت ...

قمی، نماینده ولی فقیه در دانشگاه را به چاپ رساند که بیشترین موضوع سخنرانی او مربوط به دمکراسی، مردم سالاری دینی و توجیه نظریه ولایت فقیه می باشد و جالب آنکه او از دانشجویان دعوت کرد که با تشکیل سمینار، کنگره، جلسات پرسش و پاسخ و نوشتن مقاله در نشریات نسبت به بررسی مسایل مردم سالاری دینی و عمق بخشیدن به آن تلاش کرده و تکلیف خود را در برابر شهیدان ادا نمایند. قمی و همفکرانش می دانند که هم اکنون بسیاری از دانشجویان به دلیل نوشتن چنین

مسایلی و مطرح کردن چنین مباحثی به زندان افکنده می شوند، مورد اذیت و آزار و فشار قرار می گیرند و چه بسا از ادامه تحصیل هم باز می مانند، اما همینکه چنین دعوتی صورت می گیرد باز خود دلیلی دیگر بر آن است که سرکوب کامل جنبش دانشجویی با چه مشکلاتی مواجه است. وضعیت کنونی جنبش دانشجویی به دلیل ضعف های کلی حاکم بر روند جنبش اصلاحات گرچه زخم های التیام نیافته ای نصیب دانشجویان کرده است اما نیروهای مترقی بر این امر واقف هستند که ضرورت یاری به این گردان پویا و پیگیر تضمین کننده پیروزی جنبش اصلاحات در میهن ما می باشد.

به استقبال شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران



وقایع نگاری یک سده جنبش کارگری و کمونیستی ایران

۲۷ مرداد ۱۳۲۴ - قیام افسران خراسان و تهران. قیام شب ۲۴ مرداد در مشهد آغاز شد. کاروان افسران قیام کننده پس از خلع سلاح پادگان مراوه تپه به سوی دشت ترکمن به حرکت درآمد. در حوالی گرگان گروه کوچکی از افسران تهران به قیام کنندگان پیوستند و به اتفاق به سوی گنبد قابوس حرکت کردند، ولی واحدهای زاندرام و پلیس که دستور قتل عام افسران را داشتند باران گلوله بر سر آنان ریختند. نام شهدای حادثه گنبد قابوس چنین است: ۱. سرگرد اسکندانی، ۲. ستوان یکم شهبازی، ۳. ستوان یکم نجدی، ۴. ستوان یکم مینایی، ۵. ستوان دوم نجفی، ۶. سرجوخه بهلول، ۷. سرباز قره وش.

اول شهریور ۱۳۲۴ - تبعید عده یی از افسران عضو حزب توده ایران به کرمان و زندانی کردن آنها در آنجا.

۱۲ شهریور ۱۳۲۴ - تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان ۱۰ مهر ۱۳۲۴ - در تظاهراتی که به مناسبت پنجمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران در تهران برگزار شد، صد هزار نفر شرکت کردند.

۱۱ مهر ۱۳۲۴ - تشکیل فدراسیون جهانی سندیکا ها ۳ آبان ۱۳۲۴ - تشکیل اولین کنگره حزب دموکرات

کردستان

۱۸ آبان ۱۳۲۴ - تشکیل فدراسیون جهانی جوانان دموکرات

۲۵ آبان ۱۳۲۴ - اعلام روز ۲۵ آبان به عنوان روز بین المللی دانشجو

۱۳۲۴ - شرکت فرقه دموکرات آذربایجان، حزب دموکرات کردستان، حزب جنگل و حزب سوسیالیست در جبهه احزاب آزادی خواه.

۹ آذر ۱۳۲۴ - تشکیل فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان. تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و سازمان زنان ایران که در آن دوران فعالیت پر دامنه و منحصر به فردی در بین زنان میهن ما داشتند هر دو به عضویت این نهاد جهانی در آمدند.

۲۱ آذر ۱۳۲۴ - تشکیل حکومت ملی در آذربایجان ۲ بهمن ۱۳۲۴ - تشکیل حکومت ملی در کردستان

۱۹ اسفند ۱۳۲۴ - صدور قطعنامه مشترک حزب توده ایران و شورای متحد مرکزی کارگران بر ضد تصمیم مربوط به تمدید مجلس چهاردهم.

ادامه در شماره بعدی «نامه مردم»

فن آوری در قوه قضائیه

به گزارش روزنامه «آفتاب یزد»، سه شنبه ۲ مرداد، شاهرودی رئیس قوه قضائیه رژیم ولایت فقیه در جلسه مسئولان عالی قضایی با تاکید بر ضرورت استفاده از فن آوری جدید در دادگستری گفت: «بالا بردن فن آوری و استفاده درست از تکنولوژی و تجارب بشری از ابزار مهم توسعه قضایی است.» وی افزود: «طرحی جامع و دقیق برای بهره وری از فنون و تجارب بشری در شیوه احقاق حقوق دادرسی، کشف جرم، نگهداری و اصلاح جرم و پیشگیری از وقوع جرم داده شود.»

هفته گذشته خبرگزاری ایسنا، ۱ مرداد در گزارشی از گفتگوی این خبرگزاری با منوچهر محمدی یکی از دانشجویان دستگیر شده خبر داد. بنا بر همین گزارش شخصی به این خبرگزاری تلفن می زند و خود را منوچهر محمدی معرفی می کند. وی می گوید در دفتر میشری رئیس دادگاه انقلاب می باشد و قصد توضیح در مورد خیر انتقالش به بند ۲۰۹ و اخبار رادیوهای بیگانه را دارد. ایسنا، برای صحت و سقم این ادعا ضمن تماس تلفنی با دفتر میشری و صحبت با وی از طریق تلفن همراه میشری، و تایید این مساله که محمدی در دفتر رئیس دادگاه انقلاب است، «اعترافات» محمدی را به چاپ رسانده است.

محمدی می گوید که او از بند ۳ آموزشگاه به ۲۰۹ وزارت اطلاعات منتقل شده و از رفتار بسیار «خوب»

ادامه تأکید کشورهای گروه ۸ ...

با سیاست های نولیبرالیستی خود و برای آنکه نشان دهند اجلاس آنها فقط در برگیرنده گروهی از کشورهای ثروتمند نیست، از برخی از کشورهای فقیرزده، بویژه کشورهای آفریقایی، دعوت کرده بودند تا در بحث های حاشیه ای این اجلاس برای «مقابله با فقر» و «کاهش» آن شرکت کنند.

اما تا زمانیکه بدهی های این کشورها به بانک جهانی و صندوق بین المللی بطور دائم رو به افزایش است، منابع طبیعی آنها از سوی شرکت های چند ملیتی غارت میشود و آن ها از نظر اقتصادی تابع سیاست های اقتصادی امپریالیست ها هستند، نمی توان امید به بهبود شرایط داشت و بلکه باید آینده ای بمراتب فجیع تر را باید پیش بینی کرد. همزمان با این اجلاس، کنفرانسی در «زنگبار» در تانزانیا، با حضور بیش از ۴۹ کشور از فقیرترین کشورهای جهان تشکیل شد، که

رسانه های گروهی جهان به هیچ روی به مباحثات آن را توجهی نکردند و هیچ گونه گزارشی در رابطه با آن ارائه نشد.

این کشورها در مورد چگونگی راه برون رفت از فقر روز افزون به مذاکره پرداختند و اعلام کردند که «جهانی شدن» بر مشکلات آنها افزوده است و شرایط بمراتب بغرنج تری را برای این کشورها بوجود آورده است. «جهانی شدن»، حرکتی است در جهت کمک به ثروتمندتر شدن کشورهای ثروتمند و فقیرتر شدن کشورهای فقیر.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران

ادامه کدام راهبرد؟ نقش محوری حکومت دموکراتیک ...

تغییرات واقعی در عرصه های حیاتی اقتصادی - اجتماعی اند.

عدم موفقیت دولت در اکثر زمینه های اقتصادی کاملاً آشکار است و لازم به بحث و اثبات نیست. نکته قابل تامل اینست که رهبری اصلاح طلبان، بر خلاف وعده های خود در زمینه های اقتصادی - سیاسی همان سیاست «تعدیل اقتصادی» رفسنجانی را این بار تحت نامی جدید و در پوششی متفاوت اما با همان تبعات مخرب ادامه داده است. این حقیقتی است که سران «جبهه دوم خرداد» به طور مشخص از ارائه یک نظریه منسجم عملی در رابطه با راه رشد اقتصادی کشور که پایه در درک شرایط عینی و قابلیت های ایران، در جهان، در آغاز هزاره سوم، داشته باشد و منبعث از سیاست های نولیبرالیسم اقتصادی نباشد، عاجز بوده اند. سیاست ها و نظریات اقتصادی رایج در محافل حکومتی، پیروی از دستور العمل های مخرب و توصیه های ورشکسته صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است که اقتدار سرمایه های کلان فراملی و داخلی را در چارچوب «بازار آزاد» (بخان بازار بی نظارت) محور رشد اقتصاد قرار می دهد. گذشته از معدود بحث های آکادمیک دارای محتوای علمی، بسیاری از اظهارات رسمی و غیر رسمی نیروها و شخصیت های اصلاح طلب، در مجموع فاقد برخورد اقتصاد سیاسی است و بدون توجه به ماهیت امپریالیستی سیاست نولیبرالیسم اقتصادی، اساساً راه بحث و تجزیه و تحلیل هر گونه راهبرد دیگری را مسدود کرده و عملاً نولیبرالیسم اقتصادی را تنها راه برون رفت از معضلات عظیم اقتصادی - اجتماعی و حتی آن را پیش شرط توسعه سیاسی معرفی می کند.

راهبردی دیگر

تجربه چهار سال گذشته افت و خیزها در مبارزه با رژیم ولایت فقیه، عواقب عدم توجه به وجود پیوند تنگاتنگ میان توسعه سیاسی و تحولات اقتصادی بنیادی و لزوم برخورد فعالانه هماهنگ میان این دو فرایند با تکیه بر بسیج نیروهای اجتماعی را نشان داده است. به عبارت دیگر اکنون درک شده است که تغییرات به قصد طرد ساختار رژیم استبدادی در اساس فراهم آورنده پیش شرط های تحولات اقتصادی - سیاسی در کشور با هدف دفاع از منافع ملی و زحمتکشانی می باشد. تجربه عملی کشور ما و سایر کشورهای جهان سوم (و حتی کشورهای پیشرفته سرمایه داری) نشان می دهد که محوری کردن نقش و منافع سرمایه کلان در چارچوب بازار آزاد نمی تواند راه گشای پیشرفت و سامان دهی یک اقتصاد مردمی باشد. در مقابل نقش تعیین کننده حکومت دموکراتیک در تخصیص عوامل کلیدی و کلان تولید به نفع مردم و ایجاد پیش شرط های یک جامعه پیشرو و مرفه در مقاطع مختلف تاریخ معاصر و در شرایط متفاوت تجربه شده و غیر قابل انکار است.

تحلیل واقع بینانه شرایط عینی جهان و سطح رشد (بهرتر بگوئیم عدم رشد) زیر بنای اقتصادی و رو بنای سیاسی کشور ما، نشانگر این واقعیت عریان است که، مطرح کردن تر نقش محوری حکومت در برنامه ریزی کلان، به هیچ وجه به معنای از میان برداشتن مناسبات سرمایه داری و یا حتی تنزل نقش آن تا حد یک عامل جزء نمی تواند باشد. مهمتر آنکه، مطرح کردن این فرمول سیاسی - اقتصادی با در نظر گرفتن الزامات عینی گذر به مرحله دموکراتیک - ملی به معنای انتخاب میان دو شیوه اقتصاد دولتی و یا اقتصاد بازار آزاد نیست و هر نوع بحث و استدلال در محدود کردن گزینش به یکی از این دو راهبرد در شرایط حاضر و بدون توجه به بافت اقتصادی و طبقاتی جامعه و موازنه نیروها، ذهنی گرای و بی توجهی به واقعیت موجود است.

پی ریزی نهاد های شفاف پاسخگو در سه رکن اصلی حکومت (مقننه، مجریه، قضائیه)، و محوری کردن عملکرد آنها با سمت گیری مردمی به عنوان مرکز نقل تصمیمات و برنامه ریزی استراتژیک از احتیاجات عینی لازم برای تحولات بنیادی در کشور است. ولی در مقابل این نیاز آنچه که جهت اصلی سیاست اقتصادی کشور ما را تشکیل داده است به صورت اراده گرایانه بدون توجه به تبعات نولیبرالیسم اقتصادی و یا به دلیل منافع طبقاتی خاصی، زمینه های تصمیم گیری را بنا بر انگیزه سوداگری و عملکرد محوری سرمایه کلان قرار می دهد. مفروض هوداران و عاملین این سیاست، عدم اعتقاد به وجود و توانایی اجرایی یک حکومت دموکراتیک مردمی است، یعنی دقیقاً همان مقوله بی که هسته اصلی خواست جنبش مردمی بر ضد ارتجاع حاکم را تشکیل می دهد. کارگزاران و مروجین این روش عدم موفقیت خود در تحول اقتصاد را در نیم بند جاری شدن شرایط بازار آزاد یعنی عدم خصوصی کردن فراگیر و نبود امنیت کامل سرمایه کلان و سنگ اندازی های نیروهای تمامیت خواه و ارتجاعی بیان می کنند. غافل از اینکه برنامه عملی کردن این روش و شرایط لازم آن از «دوران سازندگی!!» رفسنجانی تحت نام «تعدیل اقتصادی» و بعد از خرداد ۷۶ با عنوان «دگرگون سازی اقتصادی» تا بحال به عنوان نوش دارو ادامه داشته است. در هر دو دوره نیز با وجود مانورهای نیروهای راست، به صورت آشکار و نهان این سیاست از غسل تمعید و حمایت «ولی فقیه» و همکاری نیروها و شخصیت

های با نفوذی نظیر ناطق نوری، عسگرآلادی و باهنر برخوردار بوده است. آنچه که در اینجا باید بدان توجه شود اینست که بیش از یک دهه تلاش برای مسلط کردن نولیبرالیسم اقتصادی در جامعه، در مجموع نشان دهنده عدم تطابق شرایط عینی اقتصادی - سیاسی کشور و ذهنیت جامعه با الزامات این روش و تضاد ماهوی آن با مسیر تحولات و خواسته های جنبش مردمی است. اظهارات اخیر علی نقی خاموشی، رئیس اتاق بازرگانی و یکی از عناصر و کارگزاران بانفوذ «نظام» موبد این واقعیت است. خاموشی می گوید: «تا بحال با خصوصی سازی شوخی کرده ایم... عقیده من بر این است که خصوصی سازی در ابتدا باید به صورت یک باور ملی در آید...» (آفتاب یزد ۶ تیرماه ۱۳۸۰). در جواب این عقاید و اظهارات مبتذل باید گفت که تا آنجا که به سیاست گذاران اقتصادی کشور در بیش از یک دهه کنونی مربوط است تردیدی نیست که سیاست گذاران اقتصادی کشور مطیع گونه و با باور کامل در راستای سیردن حیات اقتصادی کشور به بخش خصوصی بطور جدی عمل کرده اند. البته حقیقت این است که زحمتکشان کشور که نتایج عملی سیاست های اقتصادی خائنانه بر انداز رژیم و از جمله خصوصی سازی را که در قالب افت دائمی سطح زندگی و رشد فقر ساختاری تجربه کرده اند با کسی شوخی ندارند!!

به جرئت می توان گفت زرفش و ملموس بودن نتایج مخرب عمل کرد محوری سرمایه کلان فراملی و بازار آزاد برای مردم کشورهای گوناگون و از جمله اکثر مردم ما به حدی بوده است که دیگر به غیر از عوام فریبی و زور گویی در مورد این سیاست هیچ راه دیگری برای تحمیل آن باقی نمانده است. از این رو است که ما معتقدیم که همه نیروهای سیاسی جدی کشور می باید در این زمینه مواضع مشخص نظری و عملی خود را به صراحت اعلام کنند.

واضح است که کشور ما از کمبود شدید سرمایه گذاری در عرصه های تولیدی رنج می برد. گذشته از دلایل مهم زمینه های این پدیده، رژیم ولایت فقیه خود معترف است که به هیچ وجه ظرفیت سرمایه گذاری در بسیاری از زمینه های کلیدی و استراتژیک را دارا نیست. حقیقت این است که، درحال حاضر قسمت اعظم تقدینگی کلان بخش خصوصی به شکل سرمایه های صرفاً تجاری و سوداگرانه، عمدتاً بدون ارزش افزایی ولی با سود بالا عمل می کنند و یا اصولاً بسیاری از آن ها ثروت های عظیم را کاندن. نکته دیگر اینکه هر دو بخش دولتی و خصوصی فاقد مدیریت مدبر و در مجموع فرهنگ کار مولد بهینه در بسیاری از عرصه ها در سطح نازل است. وجود آقازاده های متصل به جناح های مختلف، کانال های عظیم رانت خواری پرنفوذ و ذهنیت به غایت فاسد و انگلی بورژوازی بوروکراتیک (قشر فوقانی کارگزاران رژیم ولایت فقیه)، در مجموع، آن چنان رو بنای سیاسی عقیم و ناتوانی را شکل داده است که سران رژیم، مانند اواخر دوران قاجار و حکومت پهلوی، راه برون رفت از بن بست اقتصاد را عملاً در سرمایه، مدیریت و کارشناسی وارداتی ترویج و حمایت می کند.

یقیناً عقب ماندگی ساختاری، وجود سطح نازل فن آوری پیشرفته و کمبود شدید نیرو و فرهنگ کار مولد در تمام سطوح (دولتی و خصوصی) از عوامل کلیدی بازدارنده متحول شدن اقتصاداند. همین طور بررسی تاریخی و منطقی پدیده «انتقال فن آوری» نشان می دهد در گذشته و در حال حاضر به برکت قرار داد های یک سویه با شرکت های فراملی در چهارچوب «جهانی شدن»، تکنولوژی پیشرفته هنوز هم به کشورهای در حال رشد مانند ایران چیزی بیش از یک سراب نیست. مهمتر آنکه انتقال تکنولوژی به تنهایی منجر به گسترش چند وجهی و همه جانبه فرهنگ کار مولد و مناسبات تولیدی ارزش افزا نمی شود. لذا می توان دید که توانایی سرمایه خصوصی در ارتقاء نیروهای مولد و پدید آوردن تحولات بنیادی اقتصادی - اجتماعی بر پایه صنعت گرایی پیشرفته دچار محدودیت های جدی خواهد بود و به هیچ وجه به عنوان محور رشد و توسعه واقعی عمل نخواهد کرد. همین طور باید توجه داشت سرمایه های خصوصی کلان مخصوصاً سرمایه مالی فراملی تنها بدلیل وجود شرایط «مناسب» یعنی نیروی کار ارزان و نبود قوانین و اتحادیه و نهاد های مستقل حامی زحمتکشان برای اخذ سود بیشتر و دسترسی به بازار های ایران و منطقه حاضر به فعالیت در کشورهایی مانند ایران است. سرمایه خارجی تنها با اطمینان از امکان بهره برداری غارتگرانه از منابع ملی «تامین امنیت سرمایه» و به به عبارت دقیق تر تأمین بی حقوقی کارگران و زحمتکشان است که حاضر خواهد بود به سرمایه گذاری وسیع در کشورهای در حال رشد اقدام کند. بدیهی است که تن دادن به چنین خواسته هایی در تضاد آشکار با منافع مردم و میهن ما قرار دارد. تجربه دهشتناک کشورهای همچون مکزیک نشان داده است که سرمایه فراملی در ایجاد سیاسی و اجتماعی، و نیز وظایفی را به دوش حکومت (مخصوصاً بخش اجرایی آن یعنی دولت) خواهد گذاشت که در تضاد با وجود و عملکرد حکومت مردم گرا و نیاز های مبرم روند تحولات ملی - دموکراتیک جامعه قرار خواهد گرفت. بر این اساس است که ما معتقدیم تصمیم گیری در رابطه با مسائل مهمی از قبیل «جذب سرمایه خارجی» و «خصوصی سازی» نباید در چهارچوب بحث ها و مناقشات بین جناحی بلکه بر پایه ارزیابی های کارشناسانه مستقل از اعمال نفوذ عوامل سرسپرده سرمایه مالی و با توجه کامل به استقلال کشور و مصالح زحمتکشان انجام پذیرد.

ایران و ترتیبات سیستم امنیتی منطقه قفقاز

دو جانبه در جریان این سفر قریب الوقوع امضاء خواهد شد. همچنین طرح های مشترکی، نظیر احداث راه آهن مسیر جلفا- نخجوان و تاسیس بازارچه مرزی پیله سوار و نیز جاده پیله سوار به مراحل پایانی خواهند رسید. اندکی پس از انتشار سفر علی اف به ایران، در ۱۳ تیرماه، دیداری مهم میان عباسعلی حسن اف سفیر باکو در ایران و حسن روحانی دبیر شورای امنیت ملی انجام شد. در این دیدار مسایل مربوط به قره باغ و نظرات ایران به بحث گذاشته شد. برخی گزارشات حاکی از آن است که محتوی بحث اصلی طرح «تعویض اراضی» بوده است.

بر پایه این طرح، ابتدا دولت باکو، استقلال قره باغ کوهستانی را به رسمیت شناخته و از حق جمهوری آذربایجان دست بر می دارد و سپس منطقه با اهمیت «لاچین» و حومه آن را به ارمنستان واگذار می کند. به این ترتیب میان ارمنستان و قره باغ کوهستانی ارتباط زمینی برقرار می شود. در مقابل ارمنستان، از حق حاکمیت خود در باریکه جنوبی مرزهایش با ایران یعنی منطقه استراتژیک «مجیری» گذشته و آن را به جمهوری آذربایجان واگذار می کند. در نتیجه ارتباط زمینی با جمهوری خود مختار نخجوان برقرار می گردد.

این طرح همان گونه که قبلا اشاره شد، جزئی از یک طرح کلی برای گسترش ناتو در جهان است. بر اساس طرح «تعویض اراضی» ناتو به طور مستقیم در مرزهای جنوبی روسیه و مرزهای شمالی ایران حضور می یابد و از این راه به تحکیم مواضع خود در سه بخش استراتژیک جهان یعنی آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر، خاورمیانه و حوزه خلیج فارس و شبه جزیره بالکان می پردازد. بعلاوه ناتو با حضور در آسیای میانه یک دیوار دفاعی بر ضد چین و هند بر پا می سازد.

روسیه از هم اکنون در عرصه های مختلف به مقابله با این طرح اقدام کرده است. روسیه می کوشد، از هماهنگی رو به گسترش جمهوری اسلامی با محور واشنگتن- لندن ممانعت به عمل آورد. در همین رابطه روسیه از شرکت در کنسرسیوم احداث شاه لوله گاز ایران به ارمنستان بطور موقت خودداری کرده است. روسیه برخلاف موافقت اولیه خود، در اواسط تیر ماه اعلام کرد، فعلا شرکت های روسی در طرح انتقال گاز ایران به ارمنستان شرکت نمی کنند.

دو شرکت گازپروم و ایتر از روسیه قبلا در احداث شاه لوله گاز به ارزش بیش از ۱۵۰ میلیون دلار میان ایران و ارمنستان استقبال کرده و سرمایه گذاری و خدمات فنی و مهندسی آن را بر عهده داشتند. با خروج روسیه از این کنسرسیوم سرنوشت احداث این شاه لوله برای منافع ملی ایران از اهمیت درجه اول برخوردار می باشد. در حالی که از ابهام قرار می گیرد. اقدام روسیه، یک حرکت سیاسی به منظور فشار به ایران و مانع تراشی در ایجاد محور تهران- واشنگتن و لندن در منطقه قفقاز و حوزه دریای خزر است. حال با توجه به آنچه مورد اشاره قرار گرفت، این پرسش کلیدی مطرح می گردد که، آیا رژیم ولایت فقیه در مسایل مربوط به بحران قره باغ کوهستانی، طرح ارتجاعی و به شدت خطرناک «تعویض اراضی» را پذیرفته و یا حداقل موافقت مشروط خود را با آن اعلام کرده است یا نه؟

این پرسش تاکنون از سوی جمهوری اسلامی بی پاسخ مانده است! پذیرش این طرح در حکم از دست رفتن منافع ملی ایران است و جایگاه و موقعیت میهن ما را در سده بیست و یکم در قفقاز و حوزه دریای خزر تضعیف می کند. این طرح سبب می شود تا راه ارتباطی ایران به اروپا و روسیه و بالکان منحصر به کشور ترکیه شود و همین امر برای کشور ما فوق العاده خطرناک است. در عین حال واگذاری منطقه استراتژیک «مجیری» از سوی ارمنستان به دولت باکو، پروژه انتقال نفت و گاز آسیای میانه و قفقاز از راه ترکیه را صد در صد قابل اجرا و عملی می سازد و حقوق مردم ایران پایمال می گردد.

طرح «تعویض اراضی»، آینده ایران را به چالش می طلبد و امنیت ملی ما را به خطر می اندازد. مبارزه همه جانبه با این طرح آمریکا، وظیفه همه نیروهای انقلابی و میهن پرست کشور است. در عین حال باید همبستگی میان نیروهای چپ و مترقی ایران، ارمنستان، جمهوری آذربایجان را برای مخالفت مشترک با طرح مذکور تقویت کرد و یک جنبش مردمی وسیع در منطقه را سازمان دهی کرد، جابه جایی مرزهای جغرافیایی در مجاورت میهن ما، گامی خطرناک در تبدیل منطقه به یک مرکز درگیری های قومی- نژادی به مراتب خونین تر از یوگسلاوی سابق است.

اوضاع در منطقه قفقاز همچنان حاد و بحرانی است. تنش های موجود میان جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر منطقه قره باغ کوهستانی، برغم مذاکرات فشرده طرفین که با حضور نمایندگان شورای همکاری و امنیت اروپا و آمریکا و روسیه جریان دارد، هنوز به نتایج ملموس و اطمینان بخش نرسیده است. گرچه مقامات بلند پایه دولت های ایروان و باکو، اعلام می دارند که، به حل مسالمت آمیز بحران تا پایان سال جاری میلادی امیدوار و خوش بین اند. مذاکرات در باره سرنوشت منطقه قره باغ کوهستانی در پیوند تنگاتنگ با چگونگی شکل گیری ترتیبات امنیتی در قفقاز قرار دارد، از این رو کلیه فعل و انفعالات در منطقه مذکور، رابطه بی مستقیم و محکم با منافع ملی و حقوق حقه مردم ایران پیدا می کند.

از چند سال گذشته به این سو، یعنی با آغاز مداخله شورای همکاری و امنیت اروپا و گسترش حضور و نفوذ امپریالیسم آمریکا در معادلات این منطقه، طرح ها و پیشنهادهایی پرشش برانگیز، و گاه واقعا توسعه طلبانه، از سوی آمریکا و متحدان اروپایی آن، و به ویژه انگلستان عنوان شده و می شود که در تقابل آشکار با واقعیت های تاریخی و روابط برادرانه ملت های ساکن منطقه است، و می تواند کشمکش های خونینی را در آینده ایجاد کند.

در اوایل بهار سال جاری میلادی، دیداری مهم بین رهبران ارمنستان و جمهوری آذربایجان در آمریکا و به ریاست کالین پاول وزیر خارجه دولت بوش، و با شرکت نمایندگان از روسیه و فرانسه برگزار شد. محتوی این مذاکرات از سوی خبرگزاری های بین المللی یافتن راه حل برای پایان دادن به بحران قره باغ کوهستانی عنوان شد. اما محور مذاکرات و بحث اصلی، تبادل نظر پیرامون طرح پیشنهادی ایالات متحده بود. این طرح که به طرح «تعویض اراضی» شهرت دارد، از سال ۱۹۹۲ میلادی توسط آمریکا تدوین و تاکنون پیگیری شده است. طرح فوق بخشی از طرح بلند مدت واشنگتن به منظور گسترش پیمان ناتو در جهان است. در واقع طرح «تعویض اراضی» در قفقاز جزئی از یک برنامه کلی است. در صورت پذیرش این طرح توسط کشورهای حوزه جنوبی قفقاز، پیمان ناتو از طریق عامل گوش بفرمان خود یعنی ترکیه، رابطه مستقیم با قفقاز، حوزه دریای خزر و آسیای میانه پیدا می کند. به علاوه برای نخستین بار در طول تاریخ «پان ترکیست» ها و مرتجعان های حاکم در آنکارا به آرزوی خود برای برقراری ارتباط با آسیای مرکزی جامه عمل می پوشانند.

پذیرش و عملی شدن طرح «تعویض اراضی» پیامدهای ناگوار و غیر قابل پیش بینی، برای میهن ما، ایران به همراه دارد و تهدیدی جدی بر ضد منافع ملی ایران است. قطع راه ارتباط زمینی و مستقیم ایران و ارمنستان و در نتیجه ایران، گرجستان، روسیه و شبه جزیره بالکان، معادلات استراتژیک قفقاز را به سود امپریالیسم و پیمان تجاوزکارانه ناتو بر هم زده و امنیت ملی و منافع ایران را پایمال می سازد.

در دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان نیروهای مترقی و از جمله کمونیست ها، به ویژه حزب کمونیست ارمنستان با این طرح به مخالفت برخاسته اند. نیروهای ترقی خواه و میهن پرست آذربایجان، پذیرش طرح مذکور را خطری برای آینده استقلال این کشور ارزیابی می کنند.

هم اکنون گفتگوهای بسیار جدی در مورد طرح «تعویض اراضی» در جریان است. در تاریخ ۱۵ تیرماه سال جاری، مطبوعات گزارش دادند، آرداشس تومانیان فرستاده ویژه رئیس جمهور ارمنستان با یک پیام کتبی مهم و ویژه وارد تهران شد و بلافاصله با محمد خاتمی دیدار کرد. مضمون این پیام روشن نگردیده است و در باره آن فقط به صورت کلی مانند، موافقت با ارسال گاز ایران به ارمنستان و احداث تونل گاجران میان دو کشور خبرهایی انتشار یافت.

خاتمی در این دیدار از جمله یادآور شد: « امیدوارم مساله قره باغ هر چه زودتر بر اساس صحیح و تفاهم و تأمین منافع طرفین حل شود، ایران مصمم است در سیستم ترتیبات امنیتی منطقه حضور فعال داشته باشد. » در همین رابطه، در تاریخ ۸ تیرماه امسال رسانه های همگانی خبر دادند، آمریکا با حضور ایران بعنوان ناظر در مذاکرات قره باغ مخالفتی ندارد. روزنامه اطلاعات نوشت: « راس ویلسون سفیر آمریکا در جمهوری آذربایجان، حضور نماینده ایران به عنوان ناظر در روند مذاکرات صلح «قره باغ کوهستانی» را لازم می داند. » همچنین سفیر آمریکا تأکید کرد: « حضور ایران در روند مذاکرات صلح به خاطر منافی است که در منطقه دارد، موجه است، مناسبات فعلی تهران و واشنگتن تأثیر منفی در روند مذاکرات صلح نخواهد داشت. » به دنبال موضع گیری مقامات آمریکا، رسانه های خبری ایران و دولت باکو اعلام داشتند، حیدر علی اف رئیس جمهوری آذربایجان به زودی به ایران سفر خواهد کرد. مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی، به نقل از مسئولان سفارت جمهوری آذربایجان گزارش دادند که، چند تفاهم نامه همکاری

ادامه کابینه جدید یا جا به جایی مهره ها ؟

ورزند. (حیات نو، ۷ مرداد) تاجیک در مصاحبه خویش با تبیین بررسی احزاب و گروه ها گفت: «بسیاری از بازیگران مدرن و نخبه سیاسی ما اسیر فرهنگ قبیله ای و ملوک الطوائفی خود تحت عنوان حزب هستند. در ۱۰۰ سال گذشته احزاب و گروه های سیاسی با شعار کثرت گرایی و دموکراسی و آزادی، گوش فلک را کر کرده اند اما در دل خود مثل یک نظام توتالیتر کوچک در بطن دیدگاهی توتالیتر عمل می کنند.» تاجیک افزود: «احزاب خطوط قرمز خود را پیرامون دقایق برجسته اسلامیت نظام، جمهوریت نظام، حاکمیت ملی، وحدت ملی، اصلاح امور جامعه، نظم و امنیت عمومی جامعه، استقلال سیاسی، التزام به قانون و التزام به تقاضای مشروع مردم سامان دهند.»

اظهارات تاجیک که قاعدتا پازتاب نظرات محمد خاتمی باید تلقی شود جنبش مردمی را در آستانه تشکیل کابینه با یک آزمون جدی مواجه خواهد کرد. تجربه چهار سال اخیر و پشت سر گذاشتن آزمون های دشوار ثابت کرده که برغم تمامی دشواری ها و سنگ انداختن ها، روند اصلاحات با فشار مردم به راه خود ادامه می دهد. در این رهگذر نیروهای سازشکار و معتقد به «حفظ نظام» نزد مردم افشا و نیروهای واقعی طرفدار اصلاحات همگام با توده ها به این راه ادامه خواهند داد. توده ها هوشیاری خود را در مقاطع مختلف به خوبی نشان داده اند و «بازیگری های سیاسی نخبگان» را به ضد خود تبدیل می کنند. تجربه رفسنجانی آزمون خوبی است برای کسانی که حفظ «نظام» را بر خواست های توده ها ارجح می دانند. کابینه متکی بر نمایندگان کلان سرمایه تجاری و بورژوازی بوروکراتیک نوین نمی تواند هیچ گامی در راستای ادامه و بسط روند اصلاحات و تحقق آرمان های مردمی بردارد. میلیون ها ایرانی خواستار تحقق قول های آقای خاتمی در عرصه های مختلف اند. مردم خواهان حرکت به سمت عدالت اجتماعی، و پایان دادن به فقر و محرومیتی اند که شرایط دهشتناکی را برای کارگران و زحمتکشان میهن ما فراهم کرده است. حل معضل بیکاری، خروج تولید ملی از رکود و بحران ورشکستگی، برنامه ریزی استراتژیک برای ایجاد یک زیر ساختار سالم تولیدی و رها شدن از بندهای اقتصاد تک محصولی، و مهم تر از همه حرکت به سمت کاهش فشارهای کمر شکن اقتصادی، گرانی و تورم افسار گسیخته را نمی توان تنها با جابجایی مهره ها در درون کابینه پی که معتقد است تنها راه حل مسایل «خصوصی کردن بیشتر» و ادامه سیاست «تعديل اقتصادی» است حل کرد. شرکت وسیع کارگزاران سازندگی، یعنی وابستگان به رفسنجانی و نمایندگان بورژوازی بوروکراتیک نوین ایران و اشغال پست های حساس اقتصادی توسط این افراد ثمرات فاجعه باری در دهه اخیر و در چهار سال دوران دولت خاتمی به همراه داشته است. تغییر این سیاست ها با تغییر سمت و سوی حرکت دولت و شرکت نمایندگان قشرهای محروم جامعه در تصمیم گیری های کلان امکان پذیر است. در زمینه توسعه سیاسی نیز مردم منتظر اقدام دولت و قوه مقننه در زمینه تحقق خواست هایشان به سمت استقرار جامعه مدنی و به رسمیت شناخته شدن حقوق دموکراتیک شهروندان هستند. دوران موعظه، نصیحت و «دعای خیر» برای روند اصلاحات به سر آمده است عمل تنها ملاک قضاوت مردم در پایبندی نیروها و شخصیت ها بر عهد و پیمان نشان است. انتخاب دولت آینده میزان مهمی است برای این قضاوت. جابجایی مهره ها و نه تغییرات اساسی در پرسنل و دیدگاه های حاکم بر دولت پاسخ شایسته به خواست های میلیون ها ایرانی که در همه پرسى ۱۸ خرداد بار دیگر رأی خود را به روند اصلاحات به صندوق ها ریختند نیست! در این زمینه آینده و تاریخ بدون کوچکترین گذشتی قضاوت خود را خواهد کرد.

ادامه کدام راهبرد ؟ نقش محوری ...

مخالفت اصولی ما با سیاست های منعی از نولیبرالیسم اقتصادی نباید به منزله حمایت از نقش یک جانبه و انحصاری دولت تلقی گردد. تاریخ معاصر نشان داده است که محوری شدن عملکرد حکومت، به ویژه بخش اجرایی آن، خطر بروز بوروکراسی فلج کننده تحول دموکراتیک جامعه را بدنبال داشته باشد. به اعتقاد ما تجربیات غنی دهه های اخیر در کشور ما و جهان را باید در تدوین قوانین پایه ای و مقررات حاکم بر عملکرد حکومت دموکراتیک بکار گرفت. این امر مستلزم تحقق مسائلی نظیر اعتبار حق و رای مردم، استقلال سه جزء حکومت از یکدیگر و عملکرد شفاف آن ها در کنار و مکمل یکدیگر و حضور موثر نهاد های مدنی آزاد و مستقل از حکومت (مطبوعات، اتحادیه های کارگری و غیره) است. این اموزاز جمله الزاماتی اند که به صورت جدی در دستور کار فوری توسعه سیاسی در مرحله کنونی مبارزه با ارتجاع حاکم قرار گذاشته شده اند.

لذا بر خلاف تئوری های مرسوم در قالب «نولیبرالیسم اقتصادی»، «جهانی شدن» و غیره نباید با قضاوت یکسویه نقش و عملکرد حکومت در ساماندهی اقتصاد به ویژه در کشورهایی نظیر ایران را بطور مکانیکی نفی کرد. بلکه در مبارزه با حاکمیت استبدادی و در راستای تحولات مترقی بنیادی می بایست تلاش کرد تا راه کارهایی ایجاد شود تا بتوان نقش دموکراتیک و موثرحکومت را در عرصه های ضروری تکامل بخشید. باید توجه داشت این برخورد ما به مقوله نقش حکومت مرزبندی کاملاً مشخصی با سیاست ها و برداشت های ارتجاعی جناح ذوب در ولایت فقیه دارد که حکومت را وسیله صیانت منافع قدرت و اقتدار بر مردم می داند و تنها برای مانور سیاسی در تقابل با اصلاح طلبان با شعار های عوام فریبانه و به وسیله شورای نگهبان سیاست های دولت خاتمی را مورد حمله قرار می دهد. آنچه ما در اینجا عنوان می نمایم، لزوم عینی گرایی به شرایط موجود و تحول در برخورد تئوریک و عملی به نقش حکومت دموکراتیک با سمت گیری مردمی در کنار مناسبات تولیدی سرمایه داری است. به اعتقاد ما با درک رابطه دیالکتیکی میان تغییرات روبنای سیاسی و پایه اقتصادی باید هوشمندانه مبارزه کنونی بر ضد ارتجاع حاکم و در راستای تغییرات اقتصادی - اجتماعی را با اتکاء به نیروهای اجتماعی و بر محورخواسته های آن ها تلفیق کرد. ما با مطالعه دقیق و درس گرفتن از تاریخ معاصر کشورهایی نظیر اندونزی، ترکیه و پاکستان برای آنگونه دموکراسی بی مبارزه می کنیم که متوجه تامین منافع زحمتکشان و نه آزادی عمل برای انحصارهای فراملی و صندوق بین المللی پول می باشد. در این راستا حزب توده ایران بسیج وسیع ترین افشار زحمتکشان را در مبارزه برای طرد رژیم ولایت فقیه به هدف فراهم آوردن شرایط تحولات بنیادی اقتصادی - اجتماعی ترقی خواهانه و دموکراتیک عمده ترین ضرورت می داند.

ادامه کنگره ۲۷ حزب کمونیست ...

از کشور های ویتنام، کوبا، آلمان، آفریقای جنوبی، انگلستان، کانادا، پرتغال، یونان، اردن، شیلی، برزیل، مکزیک، قبرس، آرژانتین، کلمبیا، عراق، پورتوریکو و نیوزیلند ویژگی خاصی به کنگره داده بود، که حتی در تغییر دستور کار کنگره به منظور فرصت ایراد سخنرانی از سوی همه هیئت های نمایندگی منعکس گردید. به دعوت رهبری حزب کمونیست آمریکا هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره شرکت و با استقبال گرم کمونیست های آمریکایی روبرو شد. رفیق نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در سخنرانی خود نمایندگان حاضر در کنگره را در جریان آخرین تحولات ایران و پیروزی انتخاباتی اخیر مردم در مبارزه بر ضد نیروهای راست جمهوری اسلامی و سیاست های حزب توده ایران قرار داد. نماینده کمیته مرکزی حزب مان همچنین از مبارزه حزب کمونیست آمریکا بر ضد سیاست های تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس و ایران و حمایت مردم زحمتکش آمریکا از مبارزات مردم بر ضد تجاوزات و دسیسه های امپریالیست ها و در جهت برقراری آزادی و عدالت اجتماعی سپاس گذاری کرده و همبستگی بین المللی حزب برادر و کمونیست های آمریکایی، با حزب توده ایران و مردم کشورمان را ستود. نماینده کمیته مرکزی حزب در قسمتی از سخنرانی خود در اشاره به اوضاع جهان معاصر گفت: «کنگره شما در زمان دشواری برای تمام نیروهای مترقی برگزار می شود. در آغاز قرن بیست و یکم، سرمایه داری تلاش دارد که به «نظم نوین جهانی» خود از طریق ساختارهایی نظیر صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و حتی سازمان ملل متحد، رسمیت بخشد. خصوصی سازی و تهاجم وحشیانه به بخش دولتی و عمومی به سیاست رسمی دولت ها، چه محافظه کار و چه سوسیال دموکرات، ارتقاء داده شده است. امپریالیسم جهانی، به رهبری امپریالیسم آمریکا به منظور تامین کنترل اهریمنی خود بر مناطق وسیعی از جهان و غارت آن، تهاجم خطرناکی را آغاز کرده است.» در حاشیه کنگره در جلسه ویژه ای به درخواست مسئولان بخش روابط بین المللی حزب کمونیست آمریکا، هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران و رهبران حزب برادر به بررسی مسائل مورد علاقه متقابل و از جمله تعمیق و گسترش روابط دو جانبه فیما بین پرداختند. در روز پایانی، کنگره قطعنامه های مهمی، از جمله قطعنامه «پشتیبانی از مبارزات مردم فلسطین برای تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی و محکوم کردن جنایات دولت اسرائیل»، قطعنامه «لغو محاصره اقتصادی بر ضد کوبا»، «دفاع از حقوق حقه و مبارزات زنان»، «دفاع از حقوق مهاجران و بر ضد سیاست های تژاد پرستانه دولت آمریکا»، «مبارزه جهت تصویب لایحه بازسازی ساختاری جامعه آمریکا» به تصویب رسید.

کنگره همچنین کمیته ملی، ارگان رهبری حزب را، که ۱۲۰ عضو دارد انتخاب کرد. کمیته ملی جدید، در اولین نشست خود، رفیق سام وب را مجدداً به سمت دبیر اولی حزب برادر انتخاب کرد. کنگره پس از تصویب اسناد اصلی، با موفقیت کامل با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

اعتراض جهان بر ضد آزمایش موشکی آمریکا

دولت بوش اولین آزمایش موشکی چند میلیون دلاری خود در چهارچوب «سیستم دفاع ضد موشکی» را در اواسط ماه گذشته، صورت داد. این آزمایش درست یکسال پس از آخرین آزمایش آن توسط ارتش آمریکا، ۷ جولای ۲۰۰۰، که با شکست مواجه شده بود، صورت گرفت. آزمایش موشکی آمریکا، بلافاصله از طرف دول جهان، بویژه روسیه و چین، شدیداً مورد تقبیح و سرزنش قرار گرفت و اعلام شد که این اقدام می تواند به افزایش نیروها و تسلیحات نظامی منجر شود و معاهده های کنونی کنترل سلاح انمی را مورد تهدید قرار دهد. آزمایش های آمریکا اقدامی است که زمینه ساز جنگ است نه صلح. تهدید های آمریکا سبب شده است تا چین و روسیه بر روابط و همکاری های نزدیک خود بیافزایند. هفته گذشته «جیانگ زمین»، دبیر اول حزب کمونیست چین، از روسیه دیدار کرد و معاهده دوستی بین دو کشور به امضا رسید. انجام آزمایش موشکی آمریکا خبر خوش آیندی برای صاحبان کارخانه های تولید کننده سلاح جنگی بود.

طبق بر آوندهای انجام شده، هزینه سیستم دفاع ضد موشکی، بالغ بر ۶۰ میلیارد دلار می شود که شامل هزینه ایجاد و نگهداری پایگاه های موشکی، ایستگاه های رادار و شبکه ارتباطی خواهد بود. در ژوئن امسال وزیر دفاع آمریکا، دونالد رامسفیلد، در جلسه سران تاتو در بروکسل، اعلام کرد که آمریکا بزودی استقرار سیستم دفاع ضد موشکی را که پایگاه های آن در روی زمین، دریا و فضا مستقر بوده و هدف آن دفاع از «منافع» و «امنیت» آمریکا در مقابل «تهدید» از سوی کشورهای «یاغی» می باشد، آغاز خواهد کرد. این سخنان پوچ و غیر مبتنی بر واقعیات پوششی است که آمریکا بوسیله آن در

صدد برتری خوبی نظامی و تحمیل سیاست های خود به دیگر کشورهای جهان است. هیچ کشوری در جهان تهدید کننده آمریکا نیست، در واقع این ایالات متحده است که با قدرت نظامی خود نه تنها کشورهای دیگر را تهدید می کند بلکه با پیش گرفتن سیاست افزایش تسلیحات نظامی و به ویژه سلاح هسته ای، تمامی آینده بشریت را بر روی کره خاکی مود تهدید قرار داده است. این ها بهانه ای برای آمریکا است تا از طریق آن بتواند موافقتنامه استراتژیک محدود ساختن تولید موشک های بین قاره ای، موسوم به شصت، که در سال ۱۹۷۲ بین آمریکا و اتحاد شوروی به امضاء رسید، را فسخ کند و مطمئن شود که نه تنها به سرکردگی سیاسی بلکه به سرکردگی نظامی جهان نیز دست یافته است.

جورج دبلیو بوش، اعلام کرده است که برخی از کشورهای جهان به تکنولوژی ساخت موشک های بین قاره ای دست یافته و به تولید آن پرداخته اند. او برای اینکه سیاست ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا را توجیه کند مدعی شده است که این کشورها می توانند به هدف های دور دست حمله کنند، و اینکه برخی از این کشورها در حال توزیع این تکنولوژی در جهان هستند. حقیقت امر آن است که بیشتر کشورهایی که تکنولوژی تولید موشک های بین قاره ای را دارند، تنها قادر به ساخت موشک های میان برد هستند. تنها کشورهایی که توان ساخت موشک های دور برد با قابلیت حمله به آمریکا را دارند، روسیه، چین، فرانسه و انگلستان می باشند و آمریکا اعلام کرده است که سیستم دفاع ضد موشکی آن علیه چین و روسیه نیست و فرانسه و انگلستان نیز از متحدان نزدیک آمریکا هستند. تنها بهانه آمریکا برای تولید «سیستم دفاع ضد موشکی» کره شمالی است که بنا به اعتراف بسیاری از ناظران مطلع در جهان، این کشور امکان تولید چنین سلاح هایی را در اختیار ندارد.

تاکید کشورهای گ-۸ برای تسریع روند جهانی شدن

نفت اعلام کردند، و مدعی بودند که شرایط مناسبی برای برون رفت از بحران فعلی وجود دارد و می توان تصمیمات مناسبی را در این رابطه اتخاذ کرد. «تدارک» سرمایه داری برای برون رفت از رکود فعلی بواقع چیزی به غیر از همکاری های بیشتر برای غارت هرچه بیشتر کشورهای فقیر نیست. در این اجلاس سه روزه ایالات متحده بار دیگر با رد پیمان کیوتو، با این پیمان که هدف آن کاهش حجم گازهای مخرب لایه اوزون می باشد، مخالفت کرد.

همچنین در بیانیه پایانی، کشورهای عضو اعلام کردند که سیاست های خود را بمانند سابق ادامه خواهند داد و اجازه نمی دهند تا اعتراض جمعی «محدود»، مذاکرات را از مسیر اصلی خود منحرف کند. کشورهای گ-۸ برای مقابله با مخالفت بالاگیرنده مردم جهان

اجلاس سران گروه موسوم به گ-۸ (۸ کشور بزرگ صنعتی جهان) هفته گذشته در میان تظاهرات عظیم مخالفین جهانی شدن، در جنوا (ایتالیا) پایان یافت. علیرغم تظاهرات صدها هزار نفری در جنوا که توسط پلیس «ضدشورش» ایتالیا به خون کشیده شد و در جریان آن یک جوان ۲۳ ساله کشته و صدها تن زخمی و دستگیر شده و شهر تاریخی و زیبای جنوا به صحنه درگیری های خشونت آمیز پلیس و نیروهای امنیتی ایتالیا با تظاهرکنندگان بدل شد، سران کشور های گ-۸ با تایید کامل برنامه های خود به تسریع در جهانی شدن و گسترش آن تاکید ورزیدند. آنها اعلام کردند که «مطمئن ترین» راه برای کمک به کشورهای فقیر «جهانی شدن» است و تنها راه آن نیز «افزایش همکاری و همیاری» است. این اجلاس در شرایطی صورت گرفت که اقتصاد جهان با رکود روبرو است و مخالفت با «جهانی شدن» و نولیبرالیسم در سراسر جهان رو به افزایش است. رکود بیشتر از هرچیز دامنگیر کشورهای روبه رشد و فقیر شده است. برای بسیاری از این کشورها، «جهانی شدن» با افزایش بیکاری، افزایش فاصله طبقاتی و شیوع فقر همراه بوده است. در این اجلاس، سران کشورهای گ-۸ ضمن تاکید بر رکود اقتصادی، مسبب «اصلی» آن را افزایش قیمت

خبرهای کوتاه درباره حوادث جنوا به نقل از روزنامه ایتالیایی زبان لیبراسیون



■ **اروپا محکوم می کند:** از پاریس تا بن، از بروکسل تا لندن، خشم و نفرت بر ضد خشونت غیر قابل توجیه پلیس در جنوا افزایش می یابد. دولت آلمان رسماً خواهان پاسخگویی دولت ایتالیا در این مورد شد. در روزنامه های معتبر اروپایی بازگویی مشاهدات عینی درباره خشونت علیه تظاهرکنندگان افزایش می یابد. «لوموند» خبر از پیشنهاد گروهی از نمایندگان مجلس فرانسه برای تشکیل «کمیسیون تحقیقات بین المللی» جهت بررسی رفتار پلیس ایتالیا و شرایط مرگ کارلو جولیانی، یکی از تظاهرکنندگان، می دهد. در همان حال برلوسکنی، نخست وزیر ایتالیا، در مجلس سنا، نتایج نشست سران هشت کشور صنعتی جهان را برجسته کرده و به عنوان اعتراض به نیروهای دموکراتیک و چپ می گوید: روسای امنیتی را خود شما انتخاب کردید.

■ **توطئه سکوت دولت:** دولت دست راستی ایتالیا از تلاش مجلس نمایندگان این کشور برای روشن سازی حقایق درباره حوادث جنوا جلوگیری کرد. اما کانال دوم تلویزیون سراسری ایتالیا تصاویر سانور نشده یی از صحنه های درگیری و خشونت پلیس بر ضد تظاهرکنندگان را پخش کرد. پرونده یی «محرمانه» در اداره پلیس جنوا، به تاریخ اوایل ژوئیه، به امکان نفوذ عوامل دست راستی فاشیست در تظاهرات با هدف مشخص بی اعتبار کردن جنبش «ضد جهانی شدن»، اشاره می کند، در حالی که روجرا، وزیر امور خارجه ایتالیا به تشریح دستاوردهای اجلاس گروه ۸ می پردازد. حزب کمونیست «رفونداسیون» خواهان تشکیل کمیسیون تحقیقات بین المللی است و مردم را به تظاهرات بزرگ در شهر رم دعوت کرده و می گوید: «نیم میلیون نفر خواهیم بود!»

■ **سر پیچی همگانی:** یک روز فوق العاده بسیج عمومی در سراسر ایتالیا: جنبش پویا و زنده است و با راه پیمایی صلح جویانه و قاطع خود حوادث جنوا را محکوم می کند. در رم جمعیتی عظیم ده ها هزار نفری از هر نسلی به جنوا پاسخ داد.

در جنوا، ناپل، فلورانس، بلونیا، پالرمو، پروشیا و ده ها شهر دیگر تظاهراتی عظیم شکل گرفت. در شب میدان اصلی شهرهای تورنتو و میلان شاهد گردم آبی گروه عظیمی از مردم بود. بیانیه مراکز اجتماعی خبر از ناپدید شدن ده ها نفر از تظاهرکنندگان جنوا را می دهد.

کنگره ۲۷ حزب کمونیست آمریکا: سکویی برای تدارک شدید مبارزه یی وسیع بر ضد افراطی

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست آمریکا

بحران های ادواری است را افشاء کرد و گفت: «قوانین اقتصاد جوامع سرمایه داری، همان طور که مارکس استادانه سال ها پیش کشف کرد» مغلطه سرمایه داران در مورد اقتصاد نوین را به هم ریخت. «بیکاری شروع به رشد کرده، در حالیکه منحنی تورم به یک سو در حرکت است، گرایش بازار بورس به طرف صد در صد مخالف آن است... هنگامی که بازار بورس به نقطه تعادل ناپایدار رسید، میلیارد ها دلار از ارزش سهام نیست و نابود گردید.» وی در ادامه گزارش وضع اقتصادی موجود آمریکا را در شرایط رکود اقتصادی جهان و بحران انرژی چنین توصیف کرد: «سرمایه داری بیشتر و بیشتر به یک سیستم جهانی یک پارچه تبدیل می شود، و در این روند، بحران های خود را جهانی می کند. وجود بحران اقتصادی همراه با تهاجم ضد دموکراتیک نیروهای راست، فشار های شدید اقتصادی به میلیون ها نفر از مردم و به ویژه طبقه کارگر، زنان، اقلیت های ملی و کارگران مهاجر وارد می آورد.»

در باره «جهانی شدن» و سیاست های انحصارهای فرا ملی و استثمار خلق های کشورهای جهان، رفیق سام وب گفت: «اقتصاد جهانی معاصر عرصه آزادی و بیان آزاد و یا داد و ستد آزاد نیست، بلکه صحنه اعمال فشار و قدرت از طرف دولت های بزرگ و انحصار های فرا ملی از جمله جنرال الکتریک، مایکروسافت و سیتی کورپ، که در راس قرار دارند بر ضد دولت ها و کشورهای کوچک و اکثریت مردم این کشورها به مثابه فرمانبردار آن ها می باشد» و در ادامه افزود: «در حقیقت تکامل اقتصاد جهانی همان قدر که یک روند اقتصادی است، یک روند سیاسی است. سرمایه داری قوانین رشد سیستم خود را دنبال می کند، ولی این قوانین در حیطه و چهارچوب مشخص منافع اقتصادی سیاسی سیستم سرمایه داری عمل می کنند و بنا بر موازنه مشخص قدرت سیاسی و اقتصادی در میان طبقات متضاد مردم مورد تاثیر قرار می گیرند.» در رابطه با جنبش عظیم مردمی سال های اخیر بر ضد نو لیبرالیسم، رفیق سام وب از جمله گفت: «جنبش مردمی وسیعی که حتی طبقه حاکمه آمریکا انتظار آن را نمی داشت بر ضد جهانی شدن به حرکت در آمده است. این جنبش نوین رهبری و مرکز مشخصی ندارد. طبقات و قشرهای مختلفی با دیدگاه های ویژه خود در آن شرکت دارند. خواسته ها و اشکال مبارزاتی آن گسترده و رادیکال است. توسعه آن به شکلی خودپوی است، که این خود در بردارنده جوانب مثبت و منفی می باشد.»

شرکت هیئت های نمایندگی احزاب کمونیست و کارگری جهان و استقبال گرم و پر شور نمایندگان محیط صمیمانه و رفیقانه یی را در سراسر کنگره ایجاد کرده بود. حضوری سابقه نمایندگان احزاب برادر

بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست آمریکا، در بین روزهای ۱۵ الی ۱۷ تیرماه جاری، در شهر صنعتی میلواکی، در ایالت ویسکانسین، تشکیل گردید. این کنگره، بعد از درگذشت رفیق «گاس هال»، رهبر مشهور و پر آوازه حزب کمونیست آمریکا، در حقیقت اولین اجلاس مهم حزبی در آمریکا در ۵۰ سال اخیر بود که بدون شرکت او و تحت رهبری رفیق سام وب، دبیر اول جدید حزب انجام می گرفت، مورد توجه ویژه قرار داشت. از سوی دیگر، موفقیت های بزرگ حزب در سالیان اخیر، گسترش مبارزات سندیکایی در آمریکا، رشد مبارزات مردمی بر ضد انحصارات و محافل راست، که در قیام سیاتل و در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال گذشته شاهد آن بودیم، و همچنین بحث و تصمیم گیری در مورد تغییراتی مشخص در برنامه عمل و اساسنامه حزب که در دستور کار کنگره قرار داشت، توجه و حساسیت گسترده یی در محافل سیاسی آمریکا در رابطه با این کنگره برانگیخته بود. حضور و شرکت فعال بیش از ۵۰۰ نماینده و میهمان و هیئت های نمایندگی ۱۸ حزب کمونیست- کارگری جهان که در دهه های اخیر بی سابقه بوده است در محل برگزاری کنگره در دانشگاه ایالتی شهر میلواکی، نمایشگر اهمیت ویژه «کنگره تاریخی» حزب کمونیست های آمریکا بود.

محل کنگره با پرچم ها و پلاکاردهای رنگارنگ که تصویرگر عرصه های گوناگون مبارزه کمونیست های آمریکایی بود تزیین شده بود. شعار های زیر آذین بخش سالن اصلی کنگره بود: «کار، صلح، عدالت»، «کار، و مدرسه بلی، زندان نه»، «حکم اعدام ممنوع باید گردد»، «اتحاد کارگران و زحمتکشان بر ضد سیاست های نیروهای راست و انحصارها»، «محاصره اقتصادی بر ضد کوبا شکسته شود»، «ثروتمندان باید مالیات بپردازند- بودجه نظامی باید تقلیل یابد»، «بر ضد سیاست های جرح بوش مبارزه کنید!» و «کارگران جهان متحد شوید!». کنگره با سرود همبستگی زحمتکشان و پیام خوش آمد شهردار میلواکی به نمایندگان و شرکت کنندگان، کار خود را آغاز کرد. شهردار میلواکی در سخنان خود در مراسم افتتاحیه کنگره با رجوع به تاریخ جنبش سوسیالیستی در این شهر و ۸۲ سال مبارزه حزب کمونیست آمریکا از «مبارزه طولانی حزب کمونیست آمریکا برای بهبود وضع زندگی مردم زحمتکش» تقدیر و قدردانی کرد. جالب است بدانیم که در اواسط دهه ۵۰ سناتور ایالت ویسکانسین، جوزف مکاریتی، به قصد نابودی حزب کمونیست آمریکا لایحه ضد کمونیستی و ضد دموکراتیکی را از سنای آمریکا گذراند (طرح مکاریتسم) که به موجب آن، ده ها تن از کمونیست ها (از جمله رفیق گاس هال، دبیر کل فقید حزب) به جرم واهی ضد آمریکایی بودن و جاسوسی برای شوروی به زندان ها فرستاده شدند و هزاران نفر از نیروهای دموکراتیک از شغل هایشان اخراج گردیدند و عضویت کمونیست ها در اتحادیه های کارگری ممنوع شد. این لایحه تا اواسط دهه ۱۹۹۰ پابرجا بود. روزنامه محلی شهر میلواکی در گزارش خود از کنگره حزب برادر چنین نوشت: «با برگزاری کنگره حزب کمونیست آمریکا در شهر میلواکی سناتور جوزف مکاریتی در قبر به خود می پیچد!!»

کنگره، با ارائه گزارش هیئت سیاسی حزب کمونیست آمریکا که توسط رفیق سام وب، دبیر اول حزب، قرائت شد، رسماً افتتاح گردید. رهبر کمونیست های آمریکا در سخنان خود که دربردارنده تحلیل جامعی از تاریخ مبارزاتی زحمتکشان آمریکا بود جنبه های گوناگون مبارزات کنونی طبقه کارگر آمریکا و زحمتکشان جهان را مورد بررسی قرار داد. رفیق سام وب در گزارش خود به کنگره عرصه های مختلف اوضاع کشور و جهان در آغاز هزاره سوم و لزوم اتحاد و همبستگی کارگران و اتحادیه های کارگری با مردم و پیوند دادن مبارزات اتحادیه های کارگری و ابتکار های مردمی بر ضد انحصار ها و سیاست های نیروهای راست افراطی و سیاست های جورج بوش و حزب جمهوری خواه آمریکا و ارائه برنامه مشخص جهت دستیابی به اهداف جنبش مردم مورد بررسی قرار داد. رفیق سام وب با اشاره به نشانه های بارز بحران کنونی سرمایه داری آمریکا، ادعای سرمایه داری به برقراری «اقتصاد نوین» که گویا عاری از تورم، بیکاری، رکود اقتصادی و

ادامه در صفحه ۶

کمک مالی رسیده

به یاد رفیق کارگر دخیانیا از تورنتوی کانادا ۲۴۰ دلار

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
- 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
- 3. <http://www.tudehpartyiran.org>
- 4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 614
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

31 July 2001

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما

نام	مؤسسه زمزم بیم
شماره حساب	۷۹۰۰۲۰۵۸۰
کد بانک	۱۰۰۵۰۰۰۰